

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۸ دسمبر ۲۰۲۲

هیستری مذهبی یکی از نتایج تجاوز خونبار در ۶ جدی!

سه شنبه - ۰۶ جدی ۱۴۰۱ - کابل: هر چند تصمیم داشتم تا یادداشت امروز را در مورد پیامد های خونبار و ویرانگر تجاوز رهنانه قوای اشغالگر شوروی در ۶ جدی ۱۳۵۸ اختصاص دهم، مگر دو عامل باعث شد تا نخست به یکی دو نتیجه نا محسوس آن تجاوز تمرکز نمایم. آن عوامل یکی دریافت یک پیام از طریق "واتس اپ" بود و دیگری دریافت حدود ۱۰۰ ایمیل از دختران هموطن ما که از خانواده هایشان به دلیل ممانعت از سهم گیری فعال آنها در احقاق حق شان، شکایت داشتند. در یادداشت کنونی خواهم کوشید تا مختصراً حداقل در یک مورد آن تماس بگیرم:

پیامی که از طریق "واتس اپ" دریافت داشتم، در خواست یکی از جوانان نزدیک خانواده ما بود که از من می خواست، جهت آمدن آرامش و رفاه و ختم جنگ و در به دری و تبعیض و فساد، باید ده میلیون بار سوره "*" خوانده شود، از من خواسته بود به علاوه آن که خودم ۵ بار آن سوره را می خوانم، پیام را برای سه نفر دیگر نیز بفرستم. فردی که پیام را فرستاده است، حدود ۴۰ سال عمر دارد، تحصیلات عالی تا سطح ماستری دارد و در یکی از مکاتب معلم است. پدر یک خانواده و صاحب دو سه کودک قد و نیم قد نیز می باشد.

پاسخ مختصری که من برایش از طریق "واتس اپ" فرستادم چنین بود: " ...اگر به خواندن یک سوره و یا تمام قرآن مشکل حل می شد محمد و یارانش به جای غزوات " بدر، احد" و غیره فقط قرآن می خوانند. از این که چنین تقاضای ضد علمی، ضد اسلامی و مزخرف را یک معلم مطرح نموده عمیقاً ناراحت شده دلم به حال شاگردان مکتب سوخت". هر چند ممکن است پاسخم برای فرستنده آن تقاضا کافی باشد و اگر هم کافی نباشد نقطه پایانی گردد در روابط ما، با آنهم خواستم با باز ساختن این بحث از طریق پورتال زنگ خطر دیگری را که جامعه ما را بشدت تهدید می نماید، به صدا در آورم.

*- نخستین نکته ای که در این مناسبت باید بی پروا مورد انتقاد قرار گیرد و با شدت علیه آن مبارزه صورت گیرد، به علاوه بستر پرورش خانوادگی کودکان و نوجوانان دیروز و میانسالان امروز، نصاب تعلیمی "دین زده" و خرافی حاکم بر معارف افغانستان حد اقل از ۴ دهه بدین سو می باشد.

یعنی هرگاه عمر متقاضی را همان ۴۰ سال به حساب آریم، وی تقریباً ۳ الی ۴ سال بعد از فاجعه ثور تولد یافته، دوره ابتدائی را زمانی آغاز نموده که رژیم نوکران روس حدود ۱۰ سال عمر داشت.

وقتی شخصاً آن سالها را در ذهنم مرور می‌نمایم، به خاطر می‌آید که خودم در صنف ده بودم. با تغییراتی که آن زمان در هیأت حاکمه نوکران روس به وجود آمد و "سگ" جای "کله پز" نشست، و "مشی مصالحه ملی" را اعلام داشت، در تمام مضامینی که می‌خواندیم به یک باره اسلام پناهی و اسلام نمائی اولویت یافته، به خصوص در مضامین اجتماعی، معلمی که دیروز مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و کار مزدی را مبنای استثمار و غارت خلقها اعلام می‌داشت، به یک باره چنان به تقدیس مالکیت خصوصی آغاز نمود توگوئی اصلاً انسان دیگری شده است.

یعنی ذهن و مغز کودک تازه پای به مکتب گذاشته ما از همان آغاز تحصیل، به دستور حاکمیت خود فروخته و بی‌ایمان، مورد تهاجم عقب مانده ترین افکار و اندیشه های قرون وسطائی قرار گرفته، ممکن هر باری که می‌خواست از خانه بیرون شود مادرش بر پیشانی اش "تیل سیاه" نیز زده باشد تا نظر نشود. اگر ببذیریم که آن کودک بدون ناکامی علی‌رغم ناآرامی و گسست های پیهی که در امر تدریس به وجود می‌آمد پیش رفته، وقتی نوکران روس قدرت را به برادران جهادی خود داده اند، صنف ۴ بوده و تا زمان اشغال خونبار افغانستان به وسیله امپیرالیسم امریکا و شرکاء بین صنف هشت و یا نه قرار داشته است. تحصیلات بعدی یعنی ختم دوره ثانوی و دوره عالی را نیز در سیستم درسی و نصاب تعلیمی ساخت مشترک جهادی ها، جواسیس تکنوکرات و مرتدان سیاسی زیر نظر امپریالیستها ختم نموده است.

* - حال وقتی می‌بینیم که یک انسان در چنین سن و سالی، اعتقاد دارد که با ۱۰ میلیون بار خواندن یک سوره قرآن که هیچ معنای خاصی هم ندارد، می‌شود اوضاع افغانستان را تغییر داد، اولین کلامی که به ذهن انسان خطور می‌نماید، دشنام "بر پدر همان مکتب و همان درسی که خوانده ای لعنت!" می‌باشد. این یعنی در تمام این سالها از همان نخستین روزهایی که مزدوران روس بعد از یک دهه چپ نمائی و دین ستیزی، به اسلام پناهی روی آوردند و "نجیب گاو" علی‌رغم شناختی که مردم از سوابق اعتقادی وی داشتند به نشخوار آیات قرآن آغاز نمود تا روزی که "غنی احمدزی" با فرار مفتضحانه اش، حاکمیت را به طالب تسلیم نمود، نصاب تعلیمی حاکم بر معارف افغانستان، به جای تربیت یک انسان امروزین، با دامن زدن و میدان دادن به هیستری مذهبی یک انسان خرافاتی و دشمن علم رابار آورده است. افرادی را بار آورده است که نه تنها از علم چیزی نمی‌دانند که خواندن این و یا آن سوره و یا تمام قرآن نمی‌تواند یک پیشک مریض را سلامتی بدهد تا چه رسد به این که گره کور معضل افغانستان را که ده ها و صد ها عامل باعث ایجاد آن است، بکشاید؛ بلکه ضد اسلامی هم می‌باشد زیرا در تناقض آشکار با آیت ۳۹ سوره نجم که می‌گوید "وَأَنَّ لِّلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى" - انسان به هیچ جایی نمی‌رسد مگر به وسیله سعی و کوشش خودش- است.

هموطنان گرامی!

حال که با بحث آن جوان آشنا شدیم، می‌باید اصل مسأله را بدانیم که چرا چنین اعتقادات مزخرفی به وجود می‌آید:

*- نخستین عامل پیدایش چنین افکار و عقاید مزخرفی، نقش استخباراتی- امنیتی حاکمیت ها در اینجا مشخصاً طالب و نظام ملاسالار می‌باشد. آنها با شناختی که از سطح فکری و عقب ماندگی دردناک باشندگان این سرزمین دارند و می‌دانند که در قبال تبلیغات دینی تا چه حدی ساده لوح و حتا احمق اند، در حالی که خود پایه های حاکمیت شان را با زور سرنیزه و گلوله محکم می‌نمایند، برای تحمیق و خر ساختن مردم و آنها را از مبارزه به سمت دیگری کشانیدن، چنین اراجیفی را تبلیغ و ترویج می‌نمایند. حاکمیت می‌خواهد مردم را به جای گرفتن تفنگ و تلاش جهت تعیین سرنوشت شان به وسیله تفنگ، به سوره خوانی ترغیب و معتاد نمایند و با امید این که ۱۰ میلیون بار خوانده شده و یا نه، آنها را از بستر و سنگر مبارزه دور نمایند؛

*- در بطن اوضاع بد اقتصادی اجتماعی و فشار های همه جانبه ای که هر فرد جامعه را زیر گرفته است، عقب ماندگی فکری باعث می گردد تا افراد به مانند یک غریق به هر خس و خاشاکی دست دراز نماید. در نتیجه چنین افرادی دردها و آرزوهای شان را در باب بهبود اوضاع و ختم ظلم و تجاوز بدین سان تسکین می بخشند. هموطنان گرامی!

این نکته را بارها گفته ام و بار دیگر نیز بر آن تأکید می ورزم: تا زمانی که ما چگونه زیستن ما را از دم خر "چوکات اسلامی" جدا نسازیم و قرآن را مجدداً بر بالای دروازه نگذاریم و حیات روزمره ما را مطابق نیازمندی ها و قانونمندی های اجتماعی زمان ما عیار نسازیم، اگر هریک از ما روز ۱۰۰۰ بار آن سوره و سوره های دیگر را هم بخوانیم، به اندازه یک نوک سوزن در زندگی فردی و اجتماعی ما تغییری به وجود نمی آید.

و اما این که چرا اکنون، این پیشنهاد مزخرف مطرح می گردد، روشن است که استخبارات طالب با ترسی که از همراهی خانواده ها و مجموع مردم افغانستان با محصلان و شاگردان دختر دارند، می خواهند بدین وسیله از عقب ماندگی دینی مردم استفاده نموده، آنها را به جای آمدن روی سرک، به قرآن خوانی سوق بدهند.

با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!

یادداشت:

نام آن سوره را قصداً نبردم زیرا ترس دارم در بین خوانندگان این مطلب هم احمق هائی وجود داشته باشند که به جای انتباه مثبت، به خواندن آن سوره آغاز نمایند.

عمر قریشی